

دوسند نفیس از زندیه

- ۱ -

يك فرمان از علیراد خان زند

چندی قبل مقداری فرامین و اسناد در نزد یکی از آشنایان دیدم که در حفظ آنها دقت و سلیقه‌ای بکار نرفته و با وضع بسیار بدی نگهداری شده بود و چون در دست غیراهل بود، بیم زوال و از بین رفتن آنها میرفت، لذا یکی از دوستان را به خرید آن اسناد تشویق کردم و در بین آنها فرمانی از علیرادخان زند وجود داشت که به مهر او تسجیل شده است. چون تا کنون مهری از آن شاه دیده نشده برای ضبط در تاریخ و استفاده علاقه‌مندان عین فرمان را کلیشه کرده و بطور علیحده با دقت کافی از مهرپای فرمان نیز عکسی تا حد مقدور خوانا تهیه کرده و تقدیم میدارم.

علیراد کیست ؟

علیراد زند ، چهارم پادشاه از سلسله زند است وی پسر قیطاس خان و خواهرزاده زکی خان زند و برادر امی جعفرخان زند (پدر لطفعلی خان) است (گیتی‌گشا ص ۲۲۱) در ۱۱۹۴ هجری قمری

به حکومت رسید و برخال خود زکی خان و ابوالفتح خان زند شورید و پس از محاربات بسیار صادق خان را با دوپسر بزرگش به قتل رسانیده و اولاد کوچکتر او را با سایر امرا و بزرگان و بزرگ زادگان زند نابینا کرد .

محمد هاشم آصف (رستم الحکما) می نویسد :

« و الاجاه علیمرادخان با سپاه و دستگاهش داخل شهر شیراز شدند . درحین ورود و الاجاه صادق خان را که شوهر مادرش بود و الاجاه جعفرخان پیلتن ثانی را از او داشت و در آن حادثه حضور نداشت بدست عالیجاه اکبرخان (پسر زکی خان خالوزاده خود) داد و او را به خواری کشت و پسرهایش را نیز بدست اکبر خان داد ، بعضی را کشت و بعضی را کور کرد و چهارپسر مرحوم کریم خان وکیل الدوله را نیز چشم برکند، و الاجاه جعفرخان مذکور را در پی مهمی فرستاد خبر دادند که عالیجاه اکبرخان مذکور با الله بخش خان زند شراب میخورد و سرخود را می جنباند و در حالت مستی شمشیر خود را از غلاف میکشد و پیوسته این اشعار را میخواند:

من کلام فردوسی

مرا عار آید از این زندگی که سالار باشم کنم بندگی
اگر من نترسم ز یزدان پاک چه کاووس پیشم چه یکمشت خاک

والاجاه علیمراد خان از استماع این سخنان در باب عالیجاه اکبرخان مذکور بدگمان گردید و آتش خشمش شعله ور شده و دیگ کینه اش به جوش آمده ، عالیجاه جعفر خان پیلتن ثانی ، برادر امی و ارشد اولاد صادق خان زند مقتول را طلب نمود و فرمود ای برادر با جان برابر عزیز خون پدر و برادران خود را

از این اکبرخان حاضر بخواه که پسر خالوی من و تو می باشد .
 در آنوقت عالیجاه اکبرخان مذکور ، شمشیر براق مرصع
 بر میان بسته و خنجر دسته و غلاف مرصع ، برکمر داشت و سپری
 از پوست کرگدن که قبه‌های آن و حواشیش به جواهر مرصع بود ،
 بسرپنجه گرفته مانند روئین‌تن با کمال غرور ایستاده بود و دست
 به قبضه شمشیر آبدار رسانید که والاجاه جعفرخان پیلتن پاپیش
 نهاده و چنان سیلی بر بناگوش آن نامدار زد که چانه او شکست و
 دندانهایش شکسته و در دهانش ریخته و دست در کمرش افکنده
 او را برآورده و بر زمین زد و برسینه‌اش نشست و با خنجر دو
 چشمش را برآورده و اموالش را ضبط نمود» ص ۴۴۰ ،
 رستم التواریخ چاپ نویسنده .

علیمراد مردی بود دائم الخمر و میخواره ، حاجی میرزا حسن
 فسائی می نویسد :

« نواب علیمراد خان لیلا و نهاراً و سراً و چهاراً مانند
 غنچه و لاله بی‌صراحی و پیاله نبود و او را مانند سبوی باده بدوش
 کشیده ببار عام و ایوان سلام می رسانیدند . بساط شرابش اگر
 در اول حمل پهن می‌گشت تا آخر حوت برپا بود .. ص ۲۲۴ . فارسنامه
 ناصری .

وفات وی در غره ربیع الثانی سال ۱۱۹۹ هجری قمری
 با بیماری سل و استسقا در مورچه خورت اتفاق افتاد . مرحوم
 رابینو وفات او را ۲۸ صفر ۱۱۹۸ و مرحوم دکتر معین در ۱۲۰۰
 قمری می نویسد که هر دو غلط فاحش و روشن است مراجعه
 شود به ص ۲۲۶ فارسنامه و صفحه ۴۴۶ رستم التواریخ . حاجی
 سلیمان صباحی تاریخ وفات وی را گفته :

نوشت كلك صباحی ، زقصر سلطانی

علی مراد برون شد نشست جعفر خان

سکه علیمراد زند

صاحب فارسنامه سر سکه وی را (السلطان علیمراد) نوشته است ولی تاکنون چنین سکه‌ای دیده نشده از دوستداران تاریخ و علاقه‌مندان تقاضا می‌شود اگر درجائی سکه‌ای از وی با شعار بالا سراغ کردند دفتر مجله را مستحضر فرمایند آنچه که تا کنون سکه طلا و نقره از او در دست است فقط با شعار (یا علی) است و ما چند نمونه آن را برای علاقمندان در این جا می‌آوریم :

سواد فرمان علیمراد زند

حکم والا شد آنکه بنا بر توجهات مقامات؛ خاطر خورشید آیات درباره عالیشان رفیع مکان سلسله‌النجائی آقا محمد مهدی و ظهور مراتب راستی و درستی عالیشان مشارالیه در معامله هذه السنه سیچقان نیل خیریت تحویل، خدمت و کالت رعایای دارالمؤمنین قم و بلوکات اربعه را کماکان به عالیشان مشارالیه تفویض و مرجوع فرمودیم که چنانچه شاید و باید و از مراسم راستی و درستی اوسزد و آید به لوازم شغل مزبور قیام و اقدام نموده در جانب داری رعایای آنجا شرایط اهتمام بعمل آورده از خود به تقصیری راضی نشود و بدین موجب مبلغ بیست تومان و مقدار بیست خروار نقد و جنس از بابت صادر مملکتی به صیغه مواجب سالیانه در وجه مشارالیه مرحمت فرمودیم که سال بسال باز یافت و مصرف معیشت خود ساخته به لوازم خدمت مزبور اشتغال نماید عالیجاه رفیع جایگاه و اخلاص آگاه محمد حسین خان حاکم و عالیشانان رفیع مکان عمال خجسته اعمال و کلانتر و کدخدایان دارالمؤمنین و بلوکات مزبور عالیشان مشارالیه را وکیل بالاستقلال والانفراد دانسته در عهده شناسند
تحریراً فی شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۱۹۴

محل مهر علیمراد زند

در پشت فرمان در محل (پشت مهر شاه‌زند) مهر وزیر وی
(محمد مطیع) زده شده است

يك سكه منحصر بفرد از صيد مراد زند

خوانندگان اطلاع دارند که هر سال يك هفته در اردیبهشت ماه اختصاص به (هفته ایران باستان) داده شده که در آن يك هفته هر سال موضوعی را که قبلاً برگزیده شده با تشکیل مجامع عمومی و سخنرانیها و نشان دادن عکسها و فیلمها و اسلاید مورد بررسی قرار می دهند موضوع (هفته امسال ایران باستان) سکه های باستانی بود و در سالن انجمن زرتشتیان مدت یکمهفته در موضوع های مختلف سکه شناسی بحثها و بررسی های مفیدی بعمل آمد که متن سخنرانیها قریباً از طرف (انجمن فرهنگ ایران باستان) منتشر خواهد شد. یکی از استفاده های شخصی بنده آشنائی با شخصیت هائی علمی بود که در آن جلسات حضور داشتند از آنجمله افتخار آشنائی با جناب آقای (ادوارد ژوزف) بود که خوانندگان محترم با تألیفات و آثار شیوای ایشان آشنائی دارند. در یکی از جلسات در موقع تنفس پس از ختم سخنرانی، ایشان صحبت میکردند که سکه ای خریده اند چون گران است بسیار پشیمان هستند پس از دیدن سکه معلوم شد که سکه ای است منحصر از (صید مراد زند) که فقط قریب مدت دو ماه و چند روز در شیراز پس از جعفرخان پادشاهی کرده و سکه ای زده است. چون تاکنون از این شخص سکه ای دیده نشده بود از ایشان تقاضا نمودم عکسی از سکه برای درج در مجله جهت خوانندگان و علاقه مندان تهیه کرده و لطفاً به نویسنده دادند که از عنایت ایشان سپاسگزارم.

صید مراد کیست ؟

صید مراد برادر شاه مراد زند از خاندان زندیه است که بعلت شرارت در زندان جعفرخان زند بود و بشرحی که از (فارسانامه ناصری) نقل می شود، پس از کشتن جعفرخان چند ماه در شیراز حکومت میکند و بدست لطفعلی خان مقتول میگردد (باید دانست نام

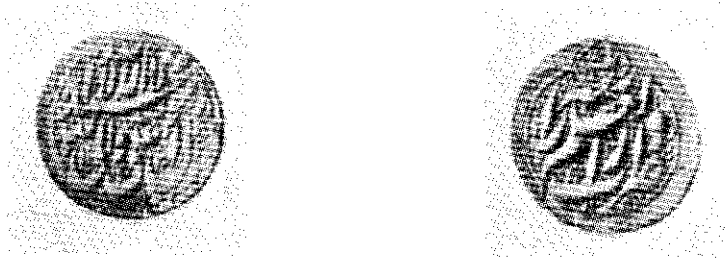
وی (صید مراد) بمعنی شکار مراد است نه سید مراد که بخلط در بعضی موارد نوشته شده است .)

«..... چون نواب جعفرخان مدتی بود که جماعتی را در ارگ شاهی محبوس می داشت و هر يك در تدارك رهائی خود بودند تا آنکه غلام بچه را که گاهی نزد آنها می آمد بفریفتند و با خود یار نمودند و منتظر فرج خدائی بودند که در بین مرض صعب که بعضی گفته اند جاریه ای او را مسموم نمود بروی عارض و دوسه روز از بستر نجنبید، غلام بچۀ سوهانی به محبوسین رسانید، در تمام شب هر يك بقوه سوهان زنجیر خود را گسسته و قبل از طلوع آفتاب روز بیست و پنجم ربیع دوم ۱۲۰۳ قمری به فراش جعفرخان آمدند..... پس صید مرادخان و ویس مرادخان و یاری خان برادران صید مرادخان و حاجی علی قلیخان کازرونی بر او تاختند و بضرپ چماق و چوب و جاروب و سنگ و آجر پاره و پاروب کار او را ساختند و سر او را بریده وقت طلوع آفتاب از فراز دروازه ارگ بزیر انداختند و امرای زند و اعیان فارس طوعاً و کره‌ها صید مرادخان را بپادشاهی برداشتند و خطبه و سکه بنام او کردند....» ص ۲۳۰ فارسنامه ناصری و باز در همان کتاب میخوانیم :

«..... شب دهم ماه شعبان همین سال میرزا محمد حسین وزیر و حاجی ابراهیم کلانتر و میرزا جانی فسائی و اعیان زندیه و فارس به هواخواهی لطفعلیخان بر صید مرادخان شوریده او را در حصار ارگ و کیلی متحصن نمودند و این خبر را در کازرون به لطفعلی - خان رسانیدند و روز دوازدهم همین ماه نواب معزی الیه با صولت رستم و شوکت نادری وارد شیراز گردیده با عموم بزرگان طریق مودت پیمود و بعد از دو روز ارگ را مسخر داشت و صید مرادخان و اتباع او را بقتل رسانید. « ص ۲۳۰ فارسنامه .

«پایان»

سکه‌های طلای علی‌میرادخان زند



شکل ۱

روی سکه در بالا داخل کلاهک یا علی ، ضرب دارالعلم شیراز ، ۱۱۹۷
پشت سکه لاله الا الله ، محمد رسول الله ، علی ولی الله



شکل ۲

روی سکه بالا داخل کلاهک یا علی ، ضرب دارالعباد یزد
پشت سکه شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان
از سکه امام بحق صاحب الزمان

سکه‌های نقره علیمراد خان زند

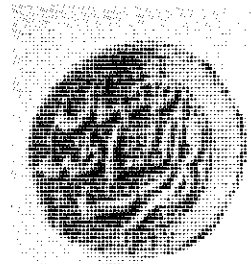
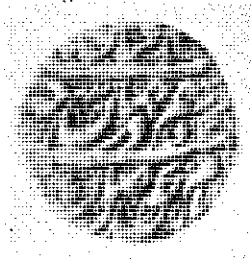


شکل ۳

روی سکه بالا داخل کلاهک یا علی ، ضرب دارالمؤمنین کاشان ، ۱۱۹۸
پشت سکه شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان
از سکه امام بحق صاحب‌الزمان



روی سکه بالا یا علی ، ضرب دارالسلطنه اصفهان ، ۱۱۹۶
پشت سکه شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان
از سکه امام بحق صاحب‌الزمان



شکل ۵

روی سکه در بالا داخل کلاهک یا علی ، ضرب دارالسلطنه اصفهان ۱۱۹۷
پشت سکه شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان
از سکه امام بحق صاحب الزمان



شکل ۶

روی سکه در بالا داخل کلاهک یا علی ، ضرب دارالسلطنه اصفهان در زیر سنه ۱۱۹۸
پشت سکه شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان
از سکه امام بحق صاحب الزمان



شکل ۷

مهر علی‌میرادخان زند که در پای فرغان زده شده است

سجع مهر :

در سطر اول و سوم : بسم الله الرحمن الرحيم ، قل هو الله احد ، الله الصمد ، لم يلد
و لم يولد و لم يكن له كفوا احد .
در سطر وسط به خط نستعلیق داخل قاب :
عبده الراجی علی مراد



شکل ۸

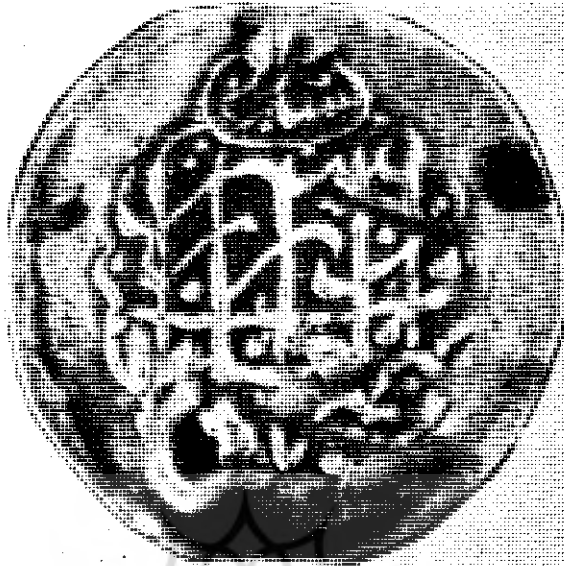
سجع مهر محمد مطیع وزیر علی‌میرادخان زند

صراط علی حق نمسکه عبده محمد مطیع



سکه نقره صیدمرادزند

شکل ۹



روی سکه

در قاب بالای سکه به خط نستعلیق سید مراد و با خط ثلث بسیار زیبا ضرب دارالعلم شیراز



پشت سکه

از سکه امام بحق صاحب الزمان
شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان

میرزا
محمد
علی
خان

انچه بنا بر دوستانه است و نظر خود را در این باره
نویسید

حکم
ملا

دو روز پس از آنکه در این باره در مجلس
مجلسین در این باره در این مجلس
مجلسین در این باره در این مجلس

مجلسین در این باره در این مجلس
مجلسین در این باره در این مجلس
مجلسین در این باره در این مجلس

مجلسین در این باره در این مجلس
مجلسین در این باره در این مجلس
مجلسین در این باره در این مجلس

مجلسین در این باره در این مجلس
مجلسین در این باره در این مجلس
مجلسین در این باره در این مجلس



در این باره بنا بر دوستانه است و نظر خود را در این باره
نویسید